



## زنان

**کلیدواژه:** زنان، دختران خدا، جاهلیت، زیورات، شرم و حیا، نعمت، ریحانه.

**بررسی:** در آیه ۱۸ سوره زخرف "أَوْ مِنْ بُنْتَوَىٰ فِي الْجَلْبَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ"؛ چرا خداوند زنان را به طور کلی موجوداتی رشدیافته در زینت معرفی می‌کند؟ و خدا می‌فرماید چرا دختران را به من نسبت می‌دهید؟!

**پاسخ:** آیه‌ای که در پرسش مطرح شد، در بیان تفکر کفار جاهلی است که دختران را فرزندان خدا می‌دانستند. خداوند در این آیات برای محکوم کردن تفکر خرافی از ذهنیات و مسلمات خود آنها استفاده می‌کند؛ چراکه آنها جنس مرد را بر زن ترجیح می‌دادند، و اصولاً دختر را ننگ خود می‌شمردند. اینجا قرآن دو صفت از صفات زنان را که در اکثر آنها دیده می‌شود و از جنبه عاطفی آنان سرچشمه می‌گیرد، مورد بحث قرار داده است. نخست علاقه شدید آنها به زیورات و بعد عدم قدرت کافی آنان بر اثبات مقصود خود به هنگام مخاصمه به جهت **شرم و حیا**، بیان کرده است. گفتنی است، در اینجا منظور خداوند **تحقیر** زنان نیست که خداوند او را چنین آفریده است؛ بلکه منظور آن است که این موجود کجا و فرزند خدا و همجنس بودن یا خدا کجا؟! و شاید اشاره به آن باشد که دختران نعمت خدا هستند؛ چنان‌که پیامبر می‌فرماید: دختر گل خوشبویی است که من از عطر آن استفاده می‌کنم.

### فهرست مندرجات

- ۱ - مراد از آیه ۱۸ سوره زخرف
- ۲ - بررسی آیات ۱۶ و ۱۷ سوره زخرف
- ۳ - تفکر خرافی مشرکان
- ۴ - دو ویژگی زنان در قرآن
- ۵ - پاسخ خداوند به تفکر خرافی مشرکان
  - ۵.۱ - کوچک نشمردن زنان
  - ۵.۲ - نعمت بودن دختران
  - ۵.۳ - روایتی از پیامبر اکرم
- ۶ - پانویس
- ۷ - منبع

### مراد از آیه ۱۸ سوره زخرف

آیه ۱۸ سوره زخرف در بیان تفکر کفار جاهلی است که دختران را فرزندان خدا می‌دانستند. در این آیات خداوند برای محکوم کردن تفکر خرافی، از ذهنیات و مسلمات خود آنها استفاده می‌کند؛ چرا که آنها جنس مرد را بر زن ترجیح می‌دادند، و اصولاً دختر را ننگ خود می‌شمردند. گاه استدلال به ذهنیات مخاطب تأثیری در فکر او می‌گذارد که وادار به تجدید نظر می‌شود.

### بررسی آیات ۱۶ و ۱۷ سوره زخرف

برای روشن شدن بحث ناگزیر از بیان آیات پیشین [۱] هستیم:

" **أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ؟**؛ آیا پروردگارتان برای خویش دخترانی گرفته است؟ "ام" برای استفهام انکاری و سرزنش آمده است که به معنای بل است. [۲] " **وَاصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ؟**؛ و پسران را مخصوص شما ساخته است؟ این آیه مانند آیه دیگری است که می‌فرماید: " **أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ؟** ". سپس دوباره با استدلال علیه آنان پرداخته می‌فرماید: " **وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا صَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا**؛ هرگاه به یکی از آنان بشارت دهند به دختری که آن را شبیه خداوند قرار داده‌اند؛ - زیرا فرزند هر چیزی شبیه او و جنس او است - پس یعنی هرگاه به یک نفر از آنان بشارت دهند که دختری برایش متولد شده است: " **ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ** " از آندوه این خبر صورتش سیاه می‌شود؛ درحالی‌که سخت غمگین و خشمناک بود، سپس خداوند آنان را به جهت این افترا مورد نکوهش قرار داده، می‌فرماید: " **أَوْ مِنْ بُنْتَوَىٰ فِي الْجَلْبَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ؟**؛ آیا کسی را که در زر و زیور زنانه رشد می‌کند؛ یعنی دختران را برای خدا قرار می‌دهند؛ درحالی‌که زنان قدرت گفت‌وگو و بحث را ندارند.

### تفکر خرافی مشرکان

همان‌گونه که بیان شد، این آیه در حقیقت برای محکوم کردن تفکر خرافی مشرکان در عصر جاهلیت است. همان افرادی که در مورد تولد فرزند دختر از شنیدن خبر **ولادت** آنها ناراحت می‌شدند، درعین‌حال **فرشتگان** را دختران خدا می‌دانستند! خداوند در این آیه می‌فرماید: آیا کسی را که در لابه‌لای زینت‌ها پرورش می‌یابد و به هنگام گفت‌وگو و کشمکش در بحث و مجادله نمی‌تواند مقصود خود را به‌خوبی اثبات کند، فرزند خدا می‌داند و پسران را فرزند خود؟!

### دو ویژگی زنان در قرآن

در اینجا قرآن دو صفت از صفات زنان را که در اکثر آنها دیده می‌شود و از جنبه عاطفی آنان سرچشمه می‌گیرد، مورد بحث قرار داده است. نخست علاقه شدید آنها به زیورات و بعد عدم قدرت کافی بر اثبات مقصود خود به هنگام مخاصمه - به جهت شرم و حیا - را بیان می‌کند. البته این نباید از نظر داشت، چه بسیاری از زنانی که تمایل چندانی به زینت و زیورات ندارند. همچنین بی‌گمان علاقه به **زینت** در "حد اعتدال و متعارف" عیبی برای زنان محسوب نمی‌شود؛ بلکه در **اسلام** روی آن تأکید شده است. منظور اکثریتی است که در غالب جوامع بشری عادت به تزئین افراطی دارند، گویی در میان **زینت** به وجود می‌آیند و پرورش می‌یابند. بدیهی است که در میان زنان افرادی وجود دارند که از نظر قدرت منطقی و بیان بسیار قوی هستند؛ ولی نمی‌توان انکار کرد که اکثریت آنها به جهت شرم و حیا در مقایسه با مردان به هنگام بحث و مخاصمه و جدال، قدرت کمتری دارند. در اینجا هدف، بیان این حقیقت است که چگونه شما دختران را فرزند خدا می‌پندارید و پسران را از آن خود می‌شمردید؟!

در این بیان خداوند، از **ذهنیات** و مسلمات خود آنها استفاده می‌کند؛ چرا که آنها جنس مرد را بر زن ترجیح می‌دادند، و اصولاً دختر را ننگ خود می‌شمردند. [۳]

و شاید از این جهت باشد که چون عرب همیشه در مقام حجت و غلبه بر خصم به **شجاعت و فصاحت** فخر می‌کردند و کسی که متصف به این صفت نبود و در زینت به سر می‌برد، از این جهت خدای متعال به نسبت دادن آنها به وی، کفار را توبیخ می‌نماید. [۴]

#### ← کوچک نشمردن زنان

گفتنی است، در اینجا منظور خداوند **تحقیر** زنان نیست که خداوند او را چنین آفریده است، بلکه منظور آن است که این موجود کجا و فرزند خدا و همجنس بودن با خدا کجا؟! نظیر این را در مردان نیز می‌شود گفت؛ بدین صورت مردانی که احتیاج به خوردن و خوابیدن و زناشویی دارند و سر تا پا احتیاج‌اند، آیا می‌توانند همجنس خدا باشند؟! [۵]

#### ← نعمت بودن دختران

و شاید اشاره به آن باشد که دختران **نعمت** خدا هستند و مانند ریحانه‌اند؛ چرا از داشتن و پذیرش چنین فرزندی اندوهناک می‌شوید؟ چنان‌که **پیامبر** - صلی‌الله‌علیه‌وآله - می‌فرماید: دختر گل خوش‌بویی است که من از عطر آن استفاده می‌کنم. [۶]

#### ← روایتی از پیامبر اکرم

روایت شده است مردی نزد پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - بود او را خبر دادند به مولودی، با شنیدن این خبر رنگ چهره‌اش پرید. پیامبر از او پرسید: چه شده است. آن مرد در جواب حضرتش گفت: خیر است. پیامبر فرمود: بگو ببینم چه اتفاقی افتاده است. پس آن مرد گفت: از منزل خارج می‌شدم؛ درحالی‌که همسرم در حال زایمان بود، به من خبر دادند که دختر به **دنیا** آورد. پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - فرمود: زمین حملش می‌کند، **آسمان** بر او سایه می‌افکند، خداوند روزیش می‌دهد، دختر گل خوش‌بویی است که من از عطر آن استفاده می‌کنم.... [۷]

#### پانویس

- ↑ زخرف (۴۳)، آیه ۱۶ و ۱۷. [۸]
- ↑ طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه، مترجمان، ج ۲۲، ص ۲۰۰، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ ش.
- ↑ مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۲۹۲۵، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و یکم. [۹]
- ↑ کاشانی، ملا فتح‌علی، تفسیر منهج‌الصادقین فی الزام‌المخالفین، ج ۸، ص ۲۴۱، کتاب‌فروشی مجد حسن علمی، تهران، ۱۳۶۶ ش.
- ↑ قرشی، سیدعلی‌اکبر، تفسیر أحسن‌الحدیث، ج ۱۰، ص ۱۸، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ↑ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸۱، ج ۴۶۹۳، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۲ ق. [۱۰]
- ↑ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۶، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش؛ "عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الرَّيَّانِ عَنْ خَمْرَةَ بِنِ خُمْرَانَ بَرَقَةَ قَالَ قَالَ أَبِي رَجُلٌ وَهُوَ عِنْدَ النَّبِيِّ صِ فَأَخْبَرَ بِمَوْلُودٍ أَصَابَهُ فَتَغَيَّرَ وَجْهَ الرَّجُلِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ع مَا لَكَ فَقَالَ خَيْرٌ فَقَالَ فَلْ قَالَ خَرَجْتُ وَالْمَرْأَةُ تَمَخَّصُ فَأَخْبِرْتُ أَنَّهَا وَلَدَتْ جَارِيَةَ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص الْأَرْضُ تَقْلَعُهَا وَالسَّمَاءُ تَطْلَعُهَا وَاللَّهِ يَرْزُقُهَا وَهِيَ رِيحَانَةٌ تَشْمَمُهَا...". [۱۱]

#### منبع

پایگاه اسلام کوئست. [۱۲]